

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

مبارزه علیه استبداد بسط می یابد

رژیم استبدادی و ترور و اختناق که در کشور از مبدأ کودتای ۲۸ مرداد با حدت و شدتی استقرار یافته، روز بروز قشرهای تازه ای را به یه خود برمی انگیزد. دامنه این مبارزه در حال تن است. این مبارزه با تظاهرات پیرو، تشرهائی وین و روحانیون، هواداران سازمانهای سیاسی، سند رژیم در داخل و خارج کشور با این رژیم اند. این مطلب تازه ای نیست. آنچه که در دوران اخیر میتوان آنرا پدید یافته بشمار آورد، آنست که افراد و عناصری که طبقات و قشرها و سازمانهای نامبرده نیستند بسا منتها با رژیم موجود از راه مداخلات عملی و با خرید خطرات و عواقب محتمل عمل خود، استبدادی، در داخل کشور، بمیدان آمده اند. پس از تشکیل حزب واحد دولتی رستاخیز، نند مظفر بقالی، خلیل آذر، دکترهای علی اصغر جوادی باشکال مختلف، نظریات انتقادی خود را دند، کمی دیرتر سرهنگ بازنشسته امیررحیمی رعلی اصغر حاج سید جوادی نامه های انتقادی به خود را انتشار دادند. حتی در مطبوعات زیر رژیم کسانی مانند احمد احرار و خواجه توری بی بی پرده با انتقاد از استبداد پرداختند. جالب حتی یکی از مبلغان رژیم در باره ضرورت دادن خلق در تصمیم گیری سیاسی آنچه نوشت که برخی از نشریات علنی تهران آپ آنرا جالب شمرده اند. موازی با این جریان در خارج از کشور، در امریکا و اروپای غربی، بود را علیه رژیم آغاز کردند. نشریات تازه ای آمد. کمیته های دفاع از زندانیان سیاسی عده ای از کشورها از افراد سرشناس تشکیل واتی به زبانهای مختلف نشر یافت. توجه به شخصیت و موقعیت افرادی که نمیدانند و متعلق آنها به محافل مختلف، میتوان به لایه دیگری از جامعه، انتقاد خود را از کرده است. در این میان دو جزوه انتقادی حاج سیدجوادی، علی رغم لحن تند کمونیستی طراری استدلالات جالب و مقنع بر ضد استبداد رژیم است.

اینکه این پدیده تا چه حد ادامه خواهد یافت و مانورهای اخیر شاه و فرح برای ایجاد یک چهره مطبوعتر، از رژیم تا چه اندازه ای کارگردانهای احتمالی این موج اعتراضی تازه را راضی خواهد کرد، آینده نشان خواهد داد. ولی در یک چیز تردید نیست: خشم و نفرت شدیدی نسبت به دستگاه جزو و ستم، مذنی و فساد سلطنت مستبدانه محمد رضا شاه و خاندان سلطنتی، نه تنها در دل مردم، بلکه در قلوب قشرهایی از طبقات بالا انباشته شده و کافی است که فرصت سیاسی مساعدی پیش آید تا این خشم و نفرت بروز کند. این پدیده نشانه نسیج روز افزون و فعلیت شعاری است که حزب ما بعنوان شعار عمده سیاسی خود در شرایط کنونی مطرح کرده است، یعنی: مبارزه در راه بر انداختن استبداد.

تربیتی نیست که تسلط رژیم استبداد و ترور غیرعزم روش اقتصادی و سیاسی ضد ملی و ضد دموکراتیک آن، هنوز بیش از آنست که این اقدامات محدود و پراکنده، بتواند آنرا سرنگون کند. ولی ما برآنیم که ادامه پیگیرانه مبارزه در راه شل تا کتیکی حزب همراه با تأثیرات عینی سیاست ضدملی و ضد دموکراتیک رژیم استبدادی در همه عرصه ها، ناچار این گره کور را در تاریخ ایران بدست خلق خواهد گشود. این واقعیت که رژیم با سیاست خارجی و داخلی خود پیش در جهان امروز بوسله ناجور بدل میشود، این واقعیت که خود کاشکی و خود خواهی شاه و خانواده پهلوی محور مرکزی تصمیم گیری ضد خلقی و ضد ملی است، نمیتواند افراد آنرا تشدید نکند. نمیتواند در جهان پرتحول امروز برای رژیم بی عواقب بماند.

آنچه که اکنون میتوان گفت آنست که واقعبینان ذکر شده صحت مشی اتخاذ شده از طرف حزب ما را ثابت میکنند ولی مشی صحیح فقط زمانی که با جلب نیروی مردم به قدرت مادی بدل شود، قافراست مؤثر واقع گردد. در این راه است که باید با تمام قوی کوشید، در این راه است که باید همه دشمنان استبداد موجود عمل خود را متحد کنند. بی عملی و تفرقه، بطور عینی، صرف نظر از هر نیتی که در میان باشد، بهترین خدمت است به رژیم استبداد.

اجلاسیه سالیانه شورای پیمان نظامی تجاوزکار «سنتو» در تهران

از پیمان نظامی تجاوز کار سنتو را مطرح کردند. از سوی دیگر در روابط ترکیه عضو دیگر پیمان با ایالات متحده امریکا بر سر مسائل گوناگون اختلافاتی وجود دارد که در اظهارات وزیر امور خارجه ترکیه در اجلاسیه شورای سنتو در تهران منعکس گردید. وزیر امور خارجه ترکیه اظهار داشت روابط ترکیه با امریکا نمیتواند ضربات جدیدی را تحمل کند. این واقعیت که کشور هلی عضو پیمان های نظامی امپریالیستی هر یک که در روابط آنها با ایالات متحده امریکا تیرگیهایی ایجاد میشود به نشانه اعتراض علیه سیاست امریکا در روابط با خود از شرکت در جلسات پیمان، لاقال با اعزام یک هیئت نمایندگی خاص امتناع میروزند و یا دولت امریکا را به خروج خود از این پیمان تهدید میکنند، نمایانگر آنست که پیمانهای نظامی تجاوزکار که از جانب محافل امپریالیستی سر هم بندی شده و از آنجمله پیمان سنتو با منافع ملی و امنیت خائلی این کشورها کمترین پیوستگی دنباله در صفحه ۲

مجمع جهانی سازندگان صلح در ورشو

از روز ۶ تا ۱۱ ماه مه مجمع جهانی سازندگان صلح در شهر ورشو با شرکت نمایندگان ۱۲۵ کشور از قاره های مختلف و بیش از پنجاه هیئت نمایندگی از سازمانهای صلح که شماره آنها از یک هزار و پانصد نفر تجاوز میکند تشکیل شد. هدف این کنفرانس که از نیروهای گوناگون اجتماعی جهان با عقاید مختلف سیاسی، ایدئولوژیکی و مذهبی گرد هم آمدند، ولی در یک مسئله مهم و حیاتی برای جامعه بشری وحدت نظر دارند، توحید مسای برای تشدید مبارزه در راه صلح و ترقی بود جمله انسانی بود. در این کنفرانس جهانی مسائلی از قبیل پایان دادن به مسابقه تسلیحاتی، امنیت و همکاری، صلح و عدالت در خاور نزدیک، همبستگی با مبارزات ضد سیاست نژادی و (آپارتاید)، صلح و استقلال ملی، حقوق بشر، علیه فاشیسم و نئوفاشیسم، حمایت از محیط زیست و رشد و تکامل نظام جدید اقتصادی بین المللی، مطرح شد که در محیطی آزاد و دموکراتیک مورد بحث و نتیجه گیری قرار گرفت. در پاره هر یک از مسائل مطروحه قطعنامه هایی با توافق آراء بتصویب رسید و در پایان جلسات وسیعی که در ده کمیسیون، چهارجلسه قاره ای، هفت میز گرد و پنج گروه آئی تشکیل شد، پیام جامعی خطاب به همه مردم جهان با تفاق آراء تصویب گردید. این مجمع به نیروهایی که در پیکار بخاطر صلح شرکت میکنند تکان و نیروی تازه ای داد. نمایندگان کمیته صلح ایران و نماینده سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران در عده ای از کمیسیونها شرکت کردند و اوضاع ایران را در چارچوب مسائل طرح شده بیان داشتند.

در کمیسیون مربوط به فاشیسم و نئوفاشیسم قطعنامه ذیل در باره ایران با تفاق آراء بتصویب رسید: «شرکت کنندگان در مجمع جهانی سازندگان صلح محکوم میکنند:»

- ۱- اعداهای بسیاری از فیون پرستان و پارتیک،
- ۲- روزانه کشتن مخالفان را؛
- ۳- بکار بستن همه نوع شکنجه از طرف ساواک؛
- ۴- و پالیس سیاسی شاه را؛
- ۵- دخالت نظامی ایران در خارج از مرزهای خود بویژه در عمان؛
- ۶- آنها میطلبند:
- ۷- آزادی همه زندانیان سیاسی را که شماره،
- ۸- آنها به دهها هزار میرسد، قطع نظر از عقاید، سیاسی و مذهبی آنها؛

دنباله در صفحه ۲

تسلیم شانناژ نباید شد

در دوران اخیر، از یکسو در مطبوعات رژیم و از سوی دیگر در نشریات گروههای مائوئیستی، تروتسکیستی و نظائر آنها، سروصدای فراوانی بلند شده است که گویا برخی از نیروهای اوپوزیسیون ضد رژیم در موضع ضد توده ای و ضد شوروی خود تجدید نظر کرده اند و با حزب توده ایران و اتحاد شوروی وارد «سازش»، «همکاری»، «اتحاد»، «شهادت» و این بنظر آنها البته «گمراهی»، «است»، «انحراف»، «است»، «خیانت» است و در نتیجه «خطرناک»، «یکی برای انقلاب سفید» و دیگری برای «انقلاب سرخ»! و به این مناسبت یکی از موضع فاشیسم به خشم و هراس افتاده است و دیگری از موضع «کمونیسم»، «قضیه چیست»!

امپریالیسم و ارتجاع، در تبلیغات ضد کمونیستی خود، کوشیده اند و میکوشند که از کمونیسم یک شیطان مجسم، بسازند. بر این اساس نه فقط کمونیست بودن، کمونیست شدن، بلکه هر گونه همکاری و اتحاد با کمونیستها، هر گونه نزدیکی و دوستی با کمونیستها و حتی هر گونه بر خورد فیزی و بیطرفانه به کمونیستها، کفر محض است و لذا محکوم و سزاوار هر گونه ظمن و لن و مجازات! ایجاد تصویر «شیطان مجسم» از کمونیسم، از جانب امپریالیسم و ارتجاع، باد و هدف عمده انجام میگیرد: نخست آنکه در برابر پیشرفت کمونیسم سلی بوجود آید. دیگر آنکه از اتحاد کمونیستها با سایر نیروهای ملی، دمکراتیک و مترقی جلوگیری شود. زیرا که هم پیشرفت کمونیسم و هم اتحاد کمونیستها با سایر نیروهای ملی، دمکراتیک و مترقی به معنی نزدیک تر شدن مرگ امپریالیسم و ارتجاع، یعنی هموار شدن راه برای نیل بشریت به صلح، استقلال ملی، آزادی، دمکراسی، عدالت و ترقی است.

امپریالیسم و ارتجاع، در وجود مائوئیستها، تروتسکیستها و گروههای مشابه، متحدینی یافته اند که همین دو هدف را، البته با تقاب «چپ» و «وحنی» «مارکسیستی» و «کمونیستی»، دنبال میکنند.

دنباله در صفحه ۲

بمناسبت اول ژوئن روز بین المللی کودکان از همه مادران و پدران طلب میکنیم تا مبارزه خود را برای بهروزی و آینده شاد کودکان خویش شدت بخشند.

برگزاری مراسم در پای تندیس بیاد خسرو روزبه

روز ۲۱ اردیبهشت، بمناسبت روز شهادت خسرو روزبه، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران و قهرمان ملی ایران، روز زندانیان سیاسی ایران، مراسمی در شهر قیابانورومانو (ایتالیا)، برگزار شد. دسته های گلی از جانب کمیته مرکزی حزب توده ایران، شهرداری شهر رومانوفیانو، سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران در پای تندیس بیاد بود خسرو روزبه گذارده شد. بعد از «خانه مردم» میتیگی با حضور رفیق لویچی لونگو، رئیس حزب کمونیست ایتالیا، تشکیل شد. شهردار به این مناسبت صحبت کرد. نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران سخنرانی نمود. رفیق لونگو نیز صحبت گرمی در همبستگی با مبارزه مردم ایران و حزب توده ایران در راه آزادی کرد.

اعلامیه

فانه اتحادیه بین المللی دانشجویان و شریط زندانیان سیاسی در ایران

بیست و چهار سالی که از کودتای سیاستخته میگذرد، مردم ایران در شرایط ترور زندگی و از مظاهر شوم سیاست غیر انسانی و دهشتناک زای شاه رنج میبرند. حقوق انسانی پایمال از آزادیهای سیاسی و دمکراتیک خبری نیست، توده های سیاسی از حق فعالیت بی بهره اند، دهقانان، دانشجویان و روشنفکران مورد قرار میگیرند و اعداهای خونین ادامه مییابد. مونه ای چند از ویژگی های بنیادی رژیم ران.

یکی از جنبه های مهم رژیم ایران، که نگرانی ترقیخواه و دمکراتیک سراسر جهان را، شریط زندانیان سیاسی ایران است، که آن به بیش از ۱۰۰۰۰۰ تخمین زده میشود.

دنباله در صفحه ۲

اجلاس هیئت عالیته شورای پیمان نظامی ...

ندارند بلکه منافع اقتصادی و سیاسی و نظامی امریکاست که این کشورها را به گردونه نظامی سیاسی خود پیوند داده و آنها رژیمهایی را در کشورهای منطقه عضو پیمان میتوانستند تحمل کند که ابزار اجرای بی چون و چرای نقشه های سیاسی و نظامی آن باشند. با اینکه روند حوادث بیست ساله این منطقه و روند تشنج زمانی در عرصه جهان در سالهای اخیر، علیرغم کوششهای محافل نظامی امپریالیستی پیمان ستو را در همان چارچوب محدود نگاهداشته و دیگر کشورهای این منطقه از شرکت در آن امتناع ورزیده اند و در نتیجه این پیمان نظامی را بیک وصله تاجور و پدیدآور منسوخ تبدیل کرده، اما اعضای آن و قبل از همه ایالات متحده امریکا و ایران اصرار دارند بر زندگی آن دوام دهند و جان تازه به کالبد آن بدمند.

پس از پایان اجلاس هیئت شورای ستو در تهران اعلامیه مشترکی از جانب شرکت کنندگان در اجلاس صادر گردید که در آن مانند گذشته تلاش میشود که حفظ و تقویت این پیمان که گویا بغم صلح و امنیت و ثبات اوضاع منطقه است توجیه شود. در اعلامیه همچنین تأکید شده است که کشورهای عضو پیمان در آینده نیز با خطر اقدامات خرابکارانه (منظور چین و سایر رهایی بخش ملی است) مبارزه خواهند کرد. با اینکه در این اعلامیه مشترک با توجه به روح زمان مطالبی در باره نگرانی اعضای پیمان نسبت به سرکوشش صلح و امنیت گنجانده شده، اما این مطالب منویات و هدفهای واقعی را که پیمان ستو و دیگر پیمانهای نظامی تجلوز کار امپریالیستی تعقیب میکنند، نمیتواند پرده پوشی کند. دول امپریالیستی و رژیم دیکتاتوری و ضد ملی محمد رضا به پیروی از همین نیات تجلوز کارانه است که برای توسازی و جان بخشیدن به کالبد پیمان ستو در تکیه هستند. تشکیل اجلاس هیئت شورای ستو در تهران بلافاصله پس از برگزاری اجلاس هیئت پیمان نظامی تجلوز کار ناتو که در لندن انجام گرفت نشانه ای از تلاشهای امپریالیسم امریکا برای شتاب بخشیدن به برنامه های نظامی گری و مسابقت تسلیحاتی است. پیمان نظامی تجلوز کار ستو از نخستین روز تشکیل همواره موجب ایجاد وخاست اوضاع منطقه و وسیله تهدید محافل امپریالیستی علیه رژیمهای مترقی و ملی کشورهای منطقه بوده است. این پیمان نظامی که طبق نقشه محافل نظامی تجلوز کار امپریالیستی علیه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی تشکیل یافت از همان آغاز مأموریت سرکوب جنبشهای رهایی بخش ملی در منطقه را نیز بعهده داشته است. محافل امپریالیستی این پیمان را یکی از حلقه های تکمیلی پیمان ناتو و بهمانه جناح جنوبی آن میدانند. امریکا لیس امریکا و ستاد فرماندهی ناتو میکوشند از پیوند دادن پیمانهای نظامی ستو و آنزوس، که استرالیا و ژلاند جدید و امریکا عضو آن هستند با پیمان ناتو، نفوذ سیاسی و نظامی پیمان ناتو را بر سراسر منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند گسترش دهند و سراسر این منطقه را زیر نظارت خود قرار دهند. امریکاییسم امریکایی میکوشد پیمان ستو را به شعبه فعال ناتو و حلقه محکمی در زنجیره پیمانهای ناتو، آنزوس و نیز پیمان نظامی تازه ای در ناحیه جنوبی اقیانوس هند در دست طرح است تبدیل کند. این مطلب که امریکاییسم امریکا قصد دارد از سلسله زنجیره پیمانهای نظامی پیمان سیستم جهانی پیمانهای تجلوز کار تشکیل دهد، بارها در مطبوعات کشورهای مختلف واز جمله مطبوعات خود ایالات متحده امریکا بازتاب یافته است. امریکاییسم امریکا برای اجرای این برنامه خود علاوه بر کوشش در زمینه تقویت پیمان ستو، نیروهای مسلح رژیمهایی مانند رژیم دیکتاتوری محمد رضا شاه را که تکیه گاه قابل اعتماد اجرای سیاست آن هستند با صدور تسلیحات و اعزام کارشناسان نظامی و تقویت و بزرگ کردن پنتاگون تبدیل میسازد و از سوی دیگر حضور نظامی خود را در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند گسترش میدهد. از سال ۱۹۶۶ که تقاضای واحد های انگلیسی از این منطقه آغاز شد، رژیم دیکتاتوری محمد رضا شاه سیاست نظامیگری و مسابقت تسلیحاتی بر شتابی را در پیش گرفت و سالیانه میلیارد ها دلار از در آمد ملی ایران و پس از افزایش در آمد نفت بخش اعظم درآمد از این ثروت ملی را در راه خریدن های کلان تسلیحات افزایش نیروهای مسلح و استخدام هزاران کارشناس و مستشار نظامی امریکا بمصرف رساند. از سوی دیگر امریکا معبرین در بحر عمان و دیاگو گارسیا واقع در مرکز اقیانوس هند را به پایگاه نظامی دریائی و هوائی خود تبدیل ساخت. در دوران جنگ تجلوزی امریکا علیه

شعر رسیده :

من البرز بلندم

من البرز بلندم
 مو سفید و چهره پر چین
 کشیده بر سما، من عشق خلغم
 از این بالا بر این شست پر آشوب
 بدیدم صد هزاران خوب و بد در طول تاریخ
 از این بالاست می بینم
 کوه زاگرس را در باختر
 هیرمند گل آلود را در خاور
 خلیج فارس را
 در آنسوی جنوب گرم
 می بینم دکل های نفت را
 بدوردور
 که شعله اش سر میکشد بر آسمان بلند :
 شعله زندگی
 می شوم فریاد آن دکل آهنین را
 که هر دم میزند فریاد :
 هبوطن ها گرد هم آئیم
 سوز سرد و مغان ، در یکسویم
 گرمای خشک کویر در سوی دیگرم
 این خون و زندگی ماست
 که دشمن بتراج دیگران میدهد
 نهاده نام خود ایرانی ولی بسته بزنجیر ستم
 مرد و زن ایران که غارتگر ، نمیخواهند
 می بینم : بیا خیزید فرزندان کاوه
 عاشقان آزادی و آبادی این دشت
 این چهره های پر غم و پر رنج
 این درد کهای هزاران ساله ، این مردم
 که باشد زخمها بر پیکرشان در ره پیچیده تاریخ
 می بینم شما را ، عاشقان راه آزادی
 می بینم جوانان وطن را
 که می غلظند در خون
 گاه در بن بست میمانند
 صدائی دیگر پس بر طنین
 و آن ، از نهاد خلق
 صدائی همصد با کارگر ، دهقان
 ندائی هم ندای رنجبر
 که آترا میشناسد خلق من
 که آترا میشناسد زندگی ، تاریخ
 که او خود میشناسد درد ها را
 درمان آترا نیز میداند
 بخوبی میشناسد دشمنان را
 چاره را در یک نبرد مشترک میجوید و پس
 برای جبهه ای بر ضد استبداد
 فرا خواند هر آنکس را که باشد دشمن بیاد
 ش ی

تسلیم شانتاژ نباید شد

اینراهم میدانیم که شکل مشخص آنتی کمونیسم در دوران ما چه از راست و چه از چپ ، آنتی سوسیالیسم و مبارزه با احزاب مارکسیست - لنینیست و انترناسیونالیست است.

متأسفانه نمیتوان گفت که امپریالیسم و ارتجاع و گروههای مائوئیستی ، تروتسکیستی و نظائر آنها مبارزه آنتی کمونیستی خود هیچگاه موفق نبوده اند و نیستند. نه فقط به این دلیل که آنتی کمونیستهای راست و چپ ، در مبارزه ضد کمونیستی خود بی پروا از دروغ و جعل و تحریف و اتهام استفاده میکنند ، بلکه به این دلیل نیز که برای آنتی کمونیستهای راست و چپ ، روح جهل ، عقب ماندگی ، ناسیونالیسم ، خرافات مذهبی و نظائر این میراث شوم جوامع طبقاتی ، زمینه عینی مساعد و مناسبی است. زهر آنتی کمونیسم آنتیجان قوی است که حتی برخی از عناصر سالم و صادق غیر کمونیست را هم تحت تاثیر قرار میدهد. خود داری برخی از این عناصر از اتحاد با کمونیستها و حتی شرکت در جهاد ضد کمونیستی از جانب برخی از آنها ، فقط بر این اساس قابل توجیه است.

ولی بقول معروف حقیقت را میتوان برای همیشه از عده ای پنهان داشت. حقیقت را میتوان برای مدتی از همه پنهان داشت. اما حقیقت را نمیتوان برای همیشه از همه پنهان داشت.

زمانی بود که برخی از نیروهای بالقوه و با لعل انقلابی ، برخی از نیروهای سالم و صادق ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری و حتی برخی از علاقمندان به کمونیسم و مارکسیسم - لنینیسم تحت تاثیر زهر آنتی کمونیسم ، تحت تاثیر تبلیغات ضد توده های و ضد شوروی ، در بر خورد با حزب توده ایران اتحاد شوروی عملاً در موضع امپریالیسم و ارتجاع و گروه های مائوئیستی ، تروتسکیستی و نظائر آنها قرار داشتند. ولی زندگی بیش از پیش نشان میدهد که اتحاد شوروی نیرومند ترین و مطمئن ترین تکیه گاه جنبش انقلابی و ضد امپریالیستی جنبش جهانی است و حزب توده ایران استوارترین و پیگیر ترین نیروی انقلابی و ضد امپریالیستی در میان ماست. که سیاست ضد توده ای و ضد شوروی بطور عینی همزمانی و همگامی با امپریالیسم و ارتجاع است و لذا برای جنبش انقلابی و ضد امپریالیستی در جهان و در ایران زیان بخش است. این واقعیت که هر روز با سر سختی بیشتری بچشم میخورد ، نمیتواند در آن عناصر سالم و صادق انقلابی ، که متأسفانه تا کنون ، بطل پیش گفته ، در مواضع خصمانه و آشکار ضد توده ای و ضد شوروی قرار داشته اند ، تأثیر نکند. آنها را بخود نیلورد و به تصحیح این سیاست نا درست و زیان بخش و نادرست ، از همینجاست که می بینیم نیرو های سالم و صادق در اوپوزیسیون غیر توده ای ، از سیاست هیستریک ضد توده ای و ضد شوروی برانگیخته از جانب عوامل رژیم و گروههای مائوئیستی ، تروتسکیستی و نظائر آنها به تدریج فاصله میگیرند ، بدون آنکه البته هنوز از مواضع ضد توده ای و ضد شوروی خود بکلی دست بردارند. ولی حتی همین « تخفیف » که از مواضع و افکار اصولی و واقفانه انقلابی هنوز فرسنگها فاصله دارد ، موجب خشم و هراس آنتی کمونیستهای راست و چپ ، شده و باران ناسزا و اتهام است که از جانب آنها بر سر این نیروها فرو میریزد. با کمال تأسف باید گفت که شانتاژ آنتی کمونیستهای راست و چپ ، در نیرو های سالم و صادق ای میکوشند از موضع خصمانه ضد توده ای و ضد شوروی فاصله بگیرند ، بی تأثیر نبوده نیست و تظاهر آنها در واکنش این نیروها بصورت تجدید اظهارات ضد توده ای و ضد شوروی و تأیید موضع سابق ، دیده میشود. علت آنها روشن است : از یکسو عناصر مشکوکی که در بین نیروها وجود دارند و هنوز افشا نشده اند ، با تمام قوا برای این روند سالم ، برای حفظ « مواضع سابق » ، برای تسلیم به شانتاژ تلاش میکنند. از سوی دیگر ، بدلیل پائیل ش گفته ، هنوز زهر آنتی کمونیستی و پیشداوری ضد توده ای و ضد شوروی در این نیروها وجود دارد ، این نیروها هنوز هم به شانتاژ میدان میدهند و هم در برابر شانتاژ تسلیم میشوند.

رضای شاه بر خلاف منافع ملی مردم ایران و مصالح صلح و امنیت منطقه با پیروی از منویات محافل امپریالیستی سیاست نظامیگری و تجلوز کاری خود را ادامه میدهد. ح . پژواک

اعلامیه دبیرخانه اتحادیه بین المللی دانشجویان

اینان تقریباً همه قشر های مردم ، از جمله کارشناسان ، عناصر مذهبی ، دانشجویان و نه عقاید و نظریات گوناگون را در بر می واهیت اضطراب انگیز است که در سالهای هرچه بیشتر از ایرانیان بوسیله ساواک (سازمان پلیس سری) ربوده ، شکنجه و کشته میشوند اینگونه قربانیان در چهار سال اخیر متجاوز بوده است.

دبیر خانه اتحادیه بین المللی دانشجویان اختناق آمیز حکومت ارتجاعی ایران را علیه جوانان و دانشجویان ایران شدیداً محکوم ، پشتیبانی و همبستگی خود را با مردم ایران آنان علیه امپریالیسم و ارتجاع ، برای استقلال و اقتصادی راستین و در راه استقرار آزادیهای دم و پیشرفت اجتماعی اعلام میدارد.

بمناسبت ۱۱ مه ، روز زندانیان سیاسی دبیرخانه « ا. ب. د. » ندای خود را در هوادارو داد خواهانه جوانان و دانشجویان ایران در راه فوری و بلا شرط همه زندانیان و بازداشت شد سیاسی ، تضمین استقلال دانشگاه ، استقرار سیاسی و تجدید فعالیت سازمانهای توده ای و دم بلند میکند.

دبیر خانه همه سازمانهای دانشجویی و افکار عمومی جهان را فرا میخواند که با اعتماد سیاست و وحشیگری ، احترام به حقوق بشر و فوری زندانیان و بازداشت شدگان سیاسی ا خواستار شوند.

دبیر خانه « ا. ب. د. » پراگ ، ۱۹۷۷

مجمع جهانی سازندگان صلح در ورشو

قطع قوری هر نوع شکنجه زندانیان سیاسی ، برقراری آزادیهای اساسی دموکراتیک مردم ، ویژه قانونی کردن همه احزاب و گروه های سیاسی ، پایان دادن به سیاست انجام گسیخته تسلیم حکومت ایران که خطر آشکار برای صلح منطقه و در تمام جهان است ، خارج کردن نیروهای نظامی مداخله جوی از کشور ، که در خارج از مرز های ایران هستند و از هر چیز ارتشی که در ظنفر است ، متنوع کردن فعالیت و اقدامات ساواک در ایران ،

در کمیسیون مربوط به صلح و حقوق بشر گزارش کمیسیون ایران در ردیف کشورهای گرفته و از آن یاد شده که در آنها آزادیهای مردم را وحشیانه و ستمانه پایمال میکنند.

ولی اگر درست است که نا درست و زیان سیاست ضد توده ای و روش تفرقه جوانه و تفریق در بین نیرو های ضد رژیم بیش از پیش آشکار اگر درست است که بهمین دلیل نیرو های صادق غیر توده ای میکوشند از این سیاست فاصله بگیرند ، آنوقت میدان دادن به شانتاژ دلیل که باشد ، خواه نا خواه ، بکلی تقض است و عملاً آب به آسیاب کسانی میریزد راست و چپ ، ولی متخداً در تلاش اند سیاست و روش عمیقاً ارتجاعی و ضد انقلابی اوپوزیسیون غیر توده ای حفظ و تشدید کند همینجاست هشدار ما که تسلیم شانتاژ نباید شد ، بنظر ما ، شهامت انقلابی فقط در این است که کسی آماده جانبازی باشد. شهامت انقلابی هم هست که فرد انقلابی بر موضع نا درست غلبه کند و از موضع درست برغم ناسزا ها و با استواری و پیگیری دفاع و برای پیشبرد آزادی کند. ما امید داریم که این شهامت انقلابی تمام اوپوزیسیون غیر توده ای بینیم.